

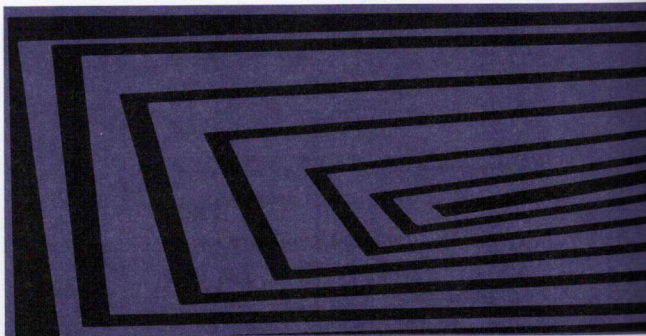


فهرست

افسردگی

ویلیام استایرن

صبا راستگار



فهرست

- ۹..... یادداشت سرپرست مجموعه
- ۱۱..... یادداشت نویسنده
- ۱۳..... تاریکی نمایان
- ۱۵..... یک
- ۳۵..... دو
- ۴۵..... سه
- ۵۳..... چهار
- ۶۹..... پنج
- ۷۷..... شش
- ۸۷..... هفت
- ۹۱..... هشت
- ۹۷..... نه
- ۱۰۳..... ده
- ۱۰۷..... دربارہی نویسنده

یادداشت نویسنده

کتاب پیش رو در سخنرانی‌ای که در بالتی‌مور^۱ در می ۱۹۸۹ داشتم، پا گرفت؛ در همایشی درباره‌ی اختلالات عاطفی که بخش روان‌پزشکی دانشکده‌ی پزشکی بیمارستان جانزهاپکینز حامی آن بود. متن پس از بسط داده شدن تبدیل به مقاله‌ای شد که در دسامبر همان سال در ونیتی^۲ فرآ به چاپ رسید. از همان اول تصمیم داشتم که با روایتی که از سفر خود به پاریس داشتم آغاز کنم - سفری که در ارتباط با پیشرفت بیماری افسردگی‌ام که آزارم می‌داد، اهمیت زیادی برایم داشت. اما با وجود فضایی که مجله به من داده بود، محدودیتی ناگزیر وجود داشت و مجبور شدم این بخش را فدای موضوعات دیگری کنم که می‌خواستم به آن‌ها بپردازم. در نسخه‌ی فعلی این بخش

1. Baltimore

۲. Vanity Fair: ونیتی فریه معنی بازار فخرفروشی نام مجله‌ای است درباره‌ی فرهنگ عامه، مد و سیاست که از سال ۱۹۸۳ در چهار کشور اروپایی و ایالات متحده‌ی آمریکا چاپ می‌شود.

به جای خودش در آغاز کتاب برگشته است. جز چند تغییر و اضافات جزئی نسبی، باقی متن به شکل اصلی خود آورده شده است.

وی.اس

تاریکی نمایان

برای چیزی که به شدت از آن می ترسم و بر من فرود آمده،

و چیزی که از آن بیم داشتم و

به سویم می آید.

نه درمان بودم،

نه استراحت می کردم و نه آرام بودم؛

با این همه درد سراپا جاد شد.

جواب

که رویش نوشته بود هتل واشینگتون سر خورد. از ۱۹۵۲، زمانی که تقریباً سی و پنج سال بیش، آن هتل را ندیده بودم. آن جا چندین شب محل خواب پارسی من بود. در اولین ماه های سفر پس از فارغ التحصیلی ام با قطار از کویت هاگن^۱ به پاریس آمده بودم و بعد از مدتی تصمیم گرفتم که از آنس مسافرتی نیویورک در این هتل اقامت کرده بودم. آن روزها هتل یکی از مطلوب ترین و

۱. هتل واشینگتون در واشینگتن، ایالت کالیفرنیا، آمریکا است. این هتل در سال ۱۹۵۲ میلادی ساخته شد و در سال ۱۹۵۳ میلادی افتتاح شد. این هتل در سال ۱۹۵۴ میلادی به هتل واشینگتون تغییر نام داد.

یک

عصرگاهی خنک در اواخر اکتبر ۱۹۸۵ در پاریس برای اولین بار متوجه شدم که کشمکش با اختلالی که در ذهنم ایجاد شده بود - کشمکشی که ماه‌ها بود درگیرش شده بودم - می‌تواند پیامدهای مهلکی به همراه داشته باشد. لحظه‌ی الهام وقتی بر من آشکار شد که ماشینی که داشتم می‌راندم به پایین خیابانی رفت که از باران لیز بود و در شانزلیزه^۱ و پشت علامت نئونی روشنی که رویش نوشته بود هتل واشینگتون سر خورد. از ۱۹۵۲، یعنی تقریباً سی و پنج سال پیش، آن هتل را ندیده بودم، آن‌جا چندین شب محل خواب پاریسی من بود. در اولین ماه‌های سفر پس از فارغ‌التحصیلی ام با قطار از کوینهاگن^۲ به پاریس آمده بودم و به واسطه‌ی تصمیم غافلگیرکننده‌ی آژانس مسافرتی نیویورک در این هتل اقامت کرده بودم. آن روزها هتل یکی از مرطوب‌ترین و

1. Champs - Élysées

2. Copenhagen